



آوازخوان و نوازنده سه تار محله چهاربرج، حدود ۳ دهه است صدایش را وقف حضور در برنامه های خیریه کرده است

ناز صدايت اصغر آقا!

۵۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

سفر به گذشته محله دانشجو با لیلزارعی
از نخستین ساکنان خیابان صدف

پیکان علی آقا
تا کسی وفادار محله بود

۶



بخشی از املاکی که برای بازگشایی بولوار شهیدفخرایی
تخریب شده بودند، اکنون به حال خود رها شده اند
زخم های باز بر چهره معبر نو

ورزشکار نوجوان محله شریف
در کلاس درس و میدان مسابقه کم نمی آورد
نمره ۲۰ برای کاراته و کتاب

۷



بخشی از املاکی که برای بازگشایی بولوار شهیدفخرایی تخریب شده بودند اکنون به حال خود رها شده‌اند

زخم‌های باز بر چهره معبر نو

فاطمه سیرجانی | بولوار شهید خلبان ابراهیم فخرایی محله دانشجوی پس از سال‌ها انتظار و چالش تملک املاک معارض، سرانجام سال گذشته راه خود را به بولوار وکیل آباد پیدا کرد. اما پایان انتظار بیست‌ساله اهالی و توسعه عمرانی با مناظری نازیبا و ویرانه بناهای تخریب شده همراه شد. املاکی که در مسیر تخریب قرار گرفتند، چون مخروط به‌ای به حال خود رها شده‌اند و اکنون نه تنها نازیبایی را به ارمغان آورده‌اند که سایه ناامنی را بر این مسیر افکنده‌اند.



● مخروط‌های به‌جامانده

قدم‌زدن در ابتدای بولوار شهیدفخرایی، در مسیر پیاده‌روهای وسیع و بهسازی شده، آن‌هم بدون پستی و بلندی حس آرامش را به انسان منتقل می‌کند اما به محض آنکه چشم به ساختمان‌های اطراف می‌افتد، ساختمان‌های قدیمی مخروط به چشم می‌خورد. بناهایی که حالا از آن‌ها پوسته‌ای از آجرهای به‌هم ریخته و درو کمد‌های شکسته به‌جامانده است. این خانه‌های نیمه‌ویران، نه‌نشانه‌ای از آبادانی دارند و نه حریمی برای امنیت شبانه. زهره حسینی، یکی از ساکنان قدیمی که پنج‌دهه است در این محله حضور دارد، با نگاهی پراز حسرت به این مخروط‌ها می‌گوید: سی‌چهار سال قبل زمانی که اینجا بیابان بود با وجود خلوتی، امنیت و آرامش بیشتری داشتیم. امروز، این خانه‌های رها شده، پاتوقی است برای هر نوع خلافی که فکر کنید!

او با اشاره به ویرانه‌ای که حتی سقفش از هم گسیخته و لایه‌های ایزوگامش که از پشت بام خانه‌ای آویزان است، توضیح می‌دهد: این نمای زشت، زبینه این کوچه و محله نیست. حتی اگر درو پنجره‌های این خانه‌ها را بزدند، قسمت‌های تاریک و نیمه‌ویران هنوز پناهگاه امنی برای کارهای خلاف است.

● بوی ناامنی در محله

این معضل، محدوده به نازیبایی بصری نیست؛ بلکه سلامت روان و سلامت جسمی ساکنان را نیز هدف قرار داده است. مریم محترم، از اهالی محله دانشجوی، با گلایه از وضعیت بهداشتی نامناسب و ناامنی ناشی از وضعیت موجود می‌گوید: در این گرمای هوامیان بوی مشم‌زکننده ادرار و مدفوع و بوی دود سیگار و وافور افراد مشکوک گرفتار شده‌ایم. با وجود تماس‌های مکرر با شماره‌های ۱۱۰ و ۱۳۷ شهرداری، تا به حال پاسخی دریافت نکرده‌ایم. شهرداری این ساختمان‌ها را پس از خریدن خراب کرد و بولوار بازگشایی شد. این بناها را به این وضع رها کردند!

یکی از کسبه محله که نمی‌خواهد نامی از او برده شود، با اشاره به پیگیری‌ها برای تعیین تکلیف املاک معارض و بازگشایی بولوار فخرایی به بولوار وکیل آباد می‌گوید: تمام امید ما به این بود که بعد از تعریض بولوار اوضاع بهتر شود، نه اینکه بخشی از محله به بیغوله تبدیل شود.

او با تأکید بر ضرورت مداخله نهادهای قانونی ادامه می‌دهد: ما از مدیریت شهری می‌خواهیم از این محله بازدید کنند. حیف است که تلاش‌های ارزشمند شهرداری برای تعریض خیابان و بهسازی پیاده‌روها، با نمای زشت و ناامن این املاک، زیر سؤال برود.

● خطایه‌های قانونی در راه است

مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۱ در پاسخ به این وضعیت بیان می‌کند: این املاک خصوصی است و در قبال تصاحب بخشی از اراضی معارض، به مالکان آن‌ها مجوز تجاری واگذار شده است. تعیین ضرب‌الاجل برای فعالیت‌های تجاری در املاک شخصی در حیطه حقوق خصوصی است؛ با وجود این امنیت شهروندان اولویت اصلی است.

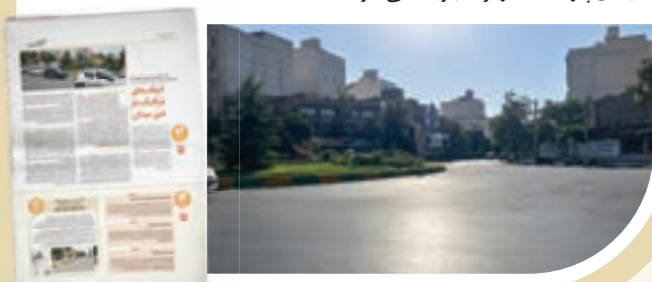
علی‌کهن ادامه می‌دهد: با بررسی میدانی این محدوده از سوی اداره شهرسازی منطقه ۱۱، مقرر شد به زودی خطایه‌های لازم به منظور دیوارکشی و ایمن‌سازی املاک به مالکان ابلاغ شود. در صورتی که دسترسی فیزیکی به مالکان میسر نباشد، این موضوع در کد نویسی ملک ثبت می‌شود و از طریق مراجع حقوقی پیگیری خواهد شد. مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه با اشاره به دارا بودن مجوز تجاری‌سازی این املاک اضافه می‌کند: مجموعه مدیریت شهری نمی‌تواند کسی را وادار به راه‌اندازی تجاری کند. اما در خصوص پوشش نمابه لحاظ نازیبایی بصری شهر اخطار لازم داده خواهد شد. گفتنی است پیش از انتشار این گزارش، بازرسان شهرداری از محل بازدید و مستندات لازم را به منظور ارسال خطایه‌ها تنظیم کردند.



در پی انتشار گزارش شهرآرامش، پلیس راهور برای کاهش ترافیک میدان شلوغ محله سیدرضی اقدام کرد

برخورد با پارک دور میدان

بهشتی | به دنبال انتشار گزارش شهرآرامش در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ درباره پارک غیرمجاز خودروها دور میدان برادران شهید فلاح، پلیس راهور منطقه ۱۱ پس از اقدامات اداری و کارشناسی، نیروهای خود را شب‌ها در این محل مستقر می‌کند. علاوه بر این و با همکاری شهرداری منطقه ۱۱، تابلوهای ممنوعیت پارک خودرو دور میدان نصب شده است تا ترافیک در این نقطه از محله سیدرضی مدیریت شود. سید علی حسینی، از کسبه این محدوده، می‌گوید: الان شرایط خیلی خوب شده است؛ شب‌هایی که تردد زیاد می‌شود، پلیس حاضر است و با توقف دور میدان برخورد می‌کند. خیلی از کسبه و اهالی الان دیگر متوجه شده‌اند که نباید دور میدان پارک کنند، وگرنه جریمه می‌شوند.



برگه پلمب، روی در مغازه‌های متخلف سیدرضی

چهار واحد صنفی متخلف در بولوار سیدرضی، پس از طی شدن روند حقوقی، پلمب شدند. این واحدها که در زمینه عرضه غذا فعالیت داشتند، محل تردد شهروندان و نظم عمومی محله شده بودند. برخورد با واحدهای صنفی متخلف طبق بند ۲۰ خدمات شهری، با درخواست شهروندان و طبق حکم قضایی اجرایی شد.



یافته‌های باستان‌شناسی در فرهنگ سرای ترافیک

در نشستی تخصصی به میزبانی فرهنگ سرای ترافیک، نخستین حضور انسان در خراسان مورد بررسی قرار گرفت. این نشست با همکاری فرهنگ سرای محیط زیست و مکتب بافت برپا شد و طبق جدیدترین یافته‌های باستان‌شناسی مرتبط با حضور انسان، اولین اسناد گذر انسان از خراسان و پیشینه سکونت در این منطقه تشریح شد.

آسفالت نوبه جای گودال هادر «آموزگار»

به همت نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۱، بخشی از مسیر تخریب شده آسفالت در بولوار آموزگار مرمت شد. این اقدام عمرانی در بیش از ۱۰ نقطه و به مساحت بیش از سیصد مترمربع اجرایی شد تا زمینه تردد ایمن وسایل نقلیه در مسیری یک‌دست به جای گودال‌ها فراهم شود.



شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

۱۲



● رقابت استانی کاراته کارها در منطقه ۱۲

سالن شهدای شهرداری محله الهیه، در هفته ای که گذشت، میزبان یک رقابت ورزشی مهیج و پرتماشاچی در سطح استان بود. کاراته کارهای سبک کیوکوشین استان خراسان رضوی در دو روز متوالی، رقابت جذابی را با حمایت هیئت کاراته استان و معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۱۲ در این مجموعه برپا کردند. در این دوره از رقابت ها بیش از دویست ورزشکار در سه رده سنی نونهالان، نوجوانان و بزرگسالان با هم رقابت کردند.



● رکاب زنی با پرچم ایران در الهیه

دو چرخه سواران محدوده متصل شهری الهیه، این شب ها دور محلات را رکاب می زنند. این برنامه به همت اهالی محلات الهیه، رحمانیه و امیریه و هم زمان با هفته وحدت اجرا می شود و تا آخرین هفته ادامه دارد. بیش از چهل دو چرخه سوار این شب هادر معابر اصلی الهیه و با پرچم های ایران رکاب می زنند تا پیام وحدت و همدلی را به همشهریان منتقل کنند. دو چرخه سواری در الهیه هر شب از مقابل یکی از مساجد محلات آغاز می شود و ورزشکاران به صورت میانگین، مسیری به طول ۱۰ کیلومتر را رکاب می زنند.



● چرم دوزی بانوان توس در «رویش»

بانوان محدوده منفصل شهری توس، در کلاس های مشاغل خانگی مرکز رویش، چرم دوز می شوند. این دوره حمایتی از بانوان خانه دار، از ابتدای شهریور آغاز شده است و بیست بانوی محلات چهار برج، کلاته برفی و فردوسی تهیه کیف های پول، جاکارتی و کیف زنانه چرمی را می آموزند. در پایان این دوره آموزشی، زمینه فروش تولیدات نیز برای شرکت کنندگان فراهم خواهد شد.

● اهل ادب، بر مزار ادیب خراسان

بهشتی اهالی علم و ادب و زبان فارسی و علاقه مندان به شاعر پرآوازه خراسان، مهدی اخوان ثالث برای گرامی داشت یاد و خاطره او بر سر مزارش گرد هم آمدند. این مراسم با عنوان «امید شعر»، هم زمان با سالروز درگذشت مرد ادیب شهرمان در باغ آرامگاه فردوسی و از سوی مدیریت این مجموعه برگزار شد. مراسم گرامی داشت اخوان ثالث با شعر خوانی و مرور بخشی از زندگی او همراه بود. هم زمان با برگزاری سی و ششمین سالروز درگذشت م. امید، روز بزرگداشت مهدی اخوان ثالث در فهرست رویدادهای گردشگری کشور ثبت و در این مراسم از این سندر ونمایی شد.



پایان روزهای خاکی در معابر فاز تجاری الهیه

با اقدام عمرانی معاونت اجرایی شهرداری منطقه ۱۲، مسیرهای خاکی فاز تجاری صنعتی سبک الهیه آسفالت شدند. این پروژه در مسیرهای اقدسیه ۴، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۴۰، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۰۲، ۷۰۴، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۲، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۸، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۰۶، ۸۰۸، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۱۸، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۳۰، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۶، ۸۴۸، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۶، ۸۵۸، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۴، ۸۶۶، ۸۶۸، ۸۷۰، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۰، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۶، ۸۸۸، ۸۹۰، ۸۹۲، ۸۹۴، ۸۹۶، ۸۹۸، ۹۰۰، ۹۰۲، ۹۰۴، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۳۰، ۹۳۲، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۴۰، ۹۴۲، ۹۴۴، ۹۴۶، ۹۴۸، ۹۵۰، ۹۵۲، ۹۵۴، ۹۵۶، ۹۵۸، ۹۶۰، ۹۶۲، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۸، ۹۷۰، ۹۷۲، ۹۷۴، ۹۷۶، ۹۷۸، ۹۸۰، ۹۸۲، ۹۸۴، ۹۸۶، ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۲، ۹۹۴، ۹۹۶، ۹۹۸، ۱۰۰۰.

درختان منطقه ۱۲، زیر پوشش لایه های محافظ

باتوجه به تغییرات دمای، اقدامات حفاظتی از درختان در معابر و بوستان ها انجام شد. باغبانان منطقه ۱۲ در دو ماه اخیر بیش از ۱۹۰۰ اصله درخت را ایمن سازی کرده اند. در این راستا تنه ۱۲۰ اصله درخت نارون برای حفاظت در مقابل نور مستقیم خورشید رنگ آمیزی و هفتصد اصله گونه دیگر برای مقاومت در برابر آفت ها به نوار زرد مجهز شد.

احداث بزرگراه سیدالشهدا^(ع) در مرحله تسطیح

عملیات اجرایی احداث بزرگراه سیدالشهدا^(ع) در محور مشهد- چناران که از سه ماه قبل آغاز شده است، با اقدامات عمرانی ادامه دارد. این پروژه توسط سازمان عمران شهرداری مشهد در حال انجام است و بخش عمده فعالیت های این پروژه بر اجرای عملیات خاکی متمرکز شده است.



شهر خبر

۱۲

پیگیری شهرآرامحله
منجر به رفع نقص آسفالت خیابان علویه شد
تسطیح مسیر پرچاله



بازخورد

بهشتی ۲۰ فروردین امسال بود که در گزارشی، گلایه اهالی علویه درباره وضعیت نامطلوب آسفالت این معبر را به گوش مدیران شهری رساندیم و قول هایی برای رفع این نقص داده شد. هفته گذشته به همت نیروهای عمرانی شهرداری منطقه ۱۲، این قول عملی و لکه گیری آسفالت در طول مسیر اجرایی شد. رضا فیروزه چی، از ساکنان این خیابان در محله امیریه، می گوید: بعد از گزارش شهرآرامحله دقیقاً نقطه ای که چاله داشت و حاشیه مسیر که از اول درست آسفالت نشده بود، نوسازی شده است. این اقدام عمرانی در راستای پاسخ به مطالبات مردمی، در مجموع به مساحت هفتصد متر مربع و با اعتباری ۳ میلیارد ریالی اجرایی شد.



آوازخوان و نوازنده سه‌تار محله چهاربرج، حدود ۳ دهه است صدایش را وقف حضور در برنامه‌های خیریه کرده است

ناز صدایت اصغراقا!

حسین برادران فرا حدود ۳ دهه است که با هنر خوانندگی و نوازندگی در محافل و مجالس مختلف ادبی و هنری درخشیده و دل‌های مشتاق هنر را با آواز اصیل ایرانی مأنوس کرده است. دوستان اصغر احمدی به خاطر شباهت ظاهری او به خسرو آواز ایران، مرحوم استاد محمد رضا شجریان، به او لقب «شجریان ثانی» داده‌اند. این تنها وجه مشترک او با استاد بزرگ آواز ایرانی که اتفاقاً همشهری هم هستند نیست؛ او هنر موسیقی اش را در خدمت به مردم به کار برده و به قول معروف، هیچ‌گاه نگاه‌مادی به آن نداشته و دنبال شهرت نبوده است. سال‌هاست که در جشن‌های خیریه و مراسمی که با هدف کمک به نیازمندان برگزار شده شرکت کرده و رایگان آواز خوانده است. از نظر این خواننده مردمی، هنر واقعی هنری است که در خدمت مردم و رفع مشکلات آن‌ها به کار گرفته شود. اصغر احمدی، خواننده آوازهای اصیل و سنتی ساکن محله چهاربرج، در این سال‌ها بخشی از هنر و توانمندی اش را برای آموزش آوازخوانی به نسل جوان صرف کرده است.

«قبولی»، جلوی اسم اصغراقا

قبل از شروع مصاحبه و طرح این پرسش که «چطور شد خوانندگی را شروع کردید؟» اصغر احمدی بدون درنگ از خاطره دیدارش با استاد رضا شاکری می‌گوید که خودش پاسخی به بخشی از سؤالات ماست: «اواسط دهه ۷۰ امور هنری اداره ارشاد استان خراسان دوره آموزش خوانندگی را برگزار کرد. شرط شرکت در این کلاس‌ها تأیید استعداد خوانندگی توسط استاد رضا شاکری بود. امور هنری اداره ارشاد دور فلکه پارک قرار داشت. در ۲۷ سالگی به اصرار چند نفر از دوستان قرار شد در این کلاس‌های خوانندگی شرکت کنم. هدف من بیشتر این بود که بایک خواننده حرفه‌ای آشنا بشوم و با استعداد خوانندگی من رتأیید کند. ۱۲۰ نفر از جوان‌های هجده تا بیست ساله آمده بودند. به همه یک آن می‌دادند. بعد از پرکردن فرم یکی یکی به داخل اتاق می‌رفتند تا تست خوانندگی بدهند. در سالن انتظار از یکی که قبل مارفته بود، پرسیدم سؤالات و گزینش‌ها چطور است. او هم گفت «باید دوبیت شعر را بخوانی؛ همان‌جا استاد نتیجه اش را اعلام می‌کند.»

اصغراقای جوان که با شنیدن این حرف‌ها دلش حسابی خالی شده بود و قصد بازگشت به خانه را داشت. در آخرین لحظه، نزد استاد شاکری رفت. او می‌گوید: «می‌خواستم از اتاق خارج شوم که استاد گزینش گفت: «حالا یکی دوبیت بخوان تا صدایت را بشنویم.» هنوز بیت اولی تمام نشده بود که استاد جلواسمم با خود کار قرمز، یک کلمه بزرگ، «قبولی» نوشت.

از زمزمه گلپا تا شعر کومار سینگ

اصغر احمدی که به قول خودش کشاورز زاده است، در روزهای گرم تابستان و حین کار در زمین کشاورزی، زمزمه‌های پدر را می‌شنید و آن را تنها تسکین دهنده سختی کارش عنوان می‌کند. او می‌گوید: پنج‌جاه سال قبل، مثل امروز امکانات صوتی و موسیقی فراهم نبود. کشاورزان برای اینکه کمی از سختی کارشان کاسته شود، اشعاری را زمزمه می‌کردند. بیشتر این اشعار، محلی و فولکلور بود. مرحوم پدرم همیشه و حین کار، اشعاری را می‌خواند. از آن زمان، اولین جرقه علاقه‌ام به خوانندگی زده شد و هر روز ترانه‌های اصیل و سنتی ایرانی را که توسط خوانندگانی چون استاد ایرج و استاد گلپا خوانده می‌شد، گوش می‌کردم.

اصغر نو جوان در دوران مدرسه نیز اشعاری از حافظ، سعدی و مولانا را در جمع‌های دوستانه و مدرسه می‌خواند. اما اولین اجرای خوانندگی او به صورت اتفاقی و در سال‌های بعد اتفاق افتاد. احمدی می‌گوید: از جوانی تا کنون تکسین یک شرکت خدمات الکترونیک هستم. سه دهه قبل، این شرکت برای نصب تجهیزات جدید کارخانه، دو مهندس هندی را استخدام کرده بود که کار با این دستگاه‌ها را به من و همکارم یاد بدهند. یک ماهی بود که من بایکی از این‌ها که هاکه اسمش راج بود، همراه بودم. یک روز که خیلی کارمان طول کشید، به این فکر افتادم که دوبیت شعر هندی را که در یکی از فیلم‌های هندی شنیده بودم، برای راج بخوانم. شروع کردم به خواندن. یک لحظه راج با چشمان گشاد شده از تعجب به من خیره شد و با زبان انگلیسی و فارسی قاتی پاتی گفت: «فکر کردم این شعر را کومار سینگ، بازیگر هندی دارد می‌خواند.»!

سکوت سالن در اولین آوازخوانی

به گفته اصغر احمدی چند روز بعد از این ماجرا به افتخار راه اندازی خط جدید شرکت، جشنی برگزار می‌شود و در جریان این جشن است که او برای اولین بار هنر خوانندگی خود را عرضه می‌کند. اصغر احمدی با مرور خاطره جشن آن شب توضیح می‌دهد: مجری آن شب آقای محسن رفوگران بود. در جریان جشن، آقای رفوگران، ترتیب مسابقه‌ای را داد. مسابقه این طور بود که هر کس هنری داشت، انجام می‌داد. یک نفر تقلید صدا، نفر بعدی، طنزگویی و... نوبت به من که رسید، راج بلند شد و با صدای بلند به زبان فارسی و انگلیسی گفت «خواننده: اصغر خوانندگی بلد هست.» آن شب برای اولین بار شعری را با آواز خواندم. بعد از چند دقیقه سکوت، سالن همایش ترکیب و تشویق‌ها تا چند دقیقه ادامه داشت. بعد از این ماجرا بود که به صورت جدی دنبال خوانندگی رفتم و در دوره آموزشی خوانندگی استاد رضا شاکری شرکت کردم.



معنی واقعی هنر و هنرمند

اصغر احمدی در این سال ها با عشق خوانده و با محبت آموخته است. او صدایش را همیشه برای کودکان و محرومان جامعه خرج کرده و در مقاطعی هم مشغول آموزش آواز خوانی سنتی شده است. علی سلطانی، مسئول خانه گفت و گوی مونس که زیر نظر انجمن توسعه سلامت مهر پارس فعالیت دارد، ضمن تشکر از حضور و همکاری صمیمانه اصغر احمدی در مراسم برگزار شده در این مؤسسه می گوید: استاد احمدی انسانی فرهیخته و باسواد و در همراهی و همکاری با مؤسسه ما همه جوره همراه و همدل است. اجراء مراسم بزرگداشت و قدردانی از خیران مؤسسه و دکترهای متخصصی که در درمان رایگان بیماران تحت پوشش مؤسسه فعال هستند، از جمله این فعالیت های خیر و خدایسندانه است. با توجه به علاقه ایشان در خدمت به افراد نیازمند و حمایت از کارهای خیرخواهانه، مطمئن هستیم که همراهی استاد احمدی با مؤسسه ما تأثیر مثبت بیشتری به همراه خواهد داشت. او ادامه می دهد: آقای احمدی هنر را با صدایش معنی می کند و هنرمند را با مرامش و این موضوع در جهان امروز ارزشمند است.

شما مشهدی نیستی؛ تربت جامی هستی!

آواز خوان چهار برجی به دلیل علاقه اش به ادبیات و شعر فارسی سال هاست که در محافل ادبی و شب های شعر مشهد حضور فعالی دارد. انجمن ادبی فارسی، انجمن ادبی خیرآبادی، انجمن فرهنگی مونس از آن جمله هستند. احمدی در عرصه خوانندگی موسیقی مقامی و محلی خراسان نیز توانایی خوبی دارد. او می گوید: من همراه با گروه استاد حمید شکفته، خواننده موسیقی مقامی کرمانجی شمال خراسان، نیز اجراهایی داشته ام. از گروه های موسیقی جنوب خراسان نیز با گروه موسیقی استاد پورعطایی همکاری دارم.

احمدی با ذکر خاطره ای می گوید: زمانی که قرار شد با گروه موسیقی استاد پورعطایی بخوانم، آقای پورعطایی گفتند «خواننده مقامی تربت جامی باید خودش بومی تربت جام باشد و یک مشهدی نمی تواند خوانندگی کند». چند بیت شعر را با حال و هوای محلی خواندم و هیچ یک از افراد حاضر در آن جمع متوجه این نشدند که لهجه ام تفاوت دارد. حتی یکی از حاضران گفت: شما مشهدی نیستی و تربت جامی هستی.



بازگرداندن پاکت پول برای نیازمندان

سرپرست و خواننده گروه موسیقی «سرآهنگ» در اوایل دهه ۸۰ به دعوت یکی از دوستان در جشن خیریه ای که برای کمک به خانواده های نیازمند برگزار شده بود، شرکت کرد و آوازی خواند که خیلی مورد استقبال حاضران و خیران قرار گرفت. احمدی بایادآوری خاطره آن روز می گوید: مجلس که تمام شد، شخصی که برگزارکننده این مجلس خیریه بود، به سراغم آمد و بعد از کلی تشکر، پاکتی به دستم داد. با تعجب از او پرسیدم این چیست. گفت: «دستمزد شماست؛ امروز به خاطر حضور شما مجلس خوبی برگزار شد و این موضوع در افزایش کمک خیران تأثیر زیادی داشت. این هم دستمزد که نه، هدیه ای هست که تقدیم شما می شود». من از این حرکت کمی جا خوردم و پاکت پول را به همان فرد دادم و گفتم لطف کنید این پول را از طرف من صرف هزینه همین افراد نیازمند کنید.

بیش از ۱۵۰۰ اجرا برای کودکان و بزرگسالان

اصغر احمدی در طول بیش از سه دهه خوانندگی موسیقی سنتی، در مراسم گوناگون، کنسرت های گروهی و اجراهای تک نوازی سه تار حضور پیدا کرده است. حضور در جشن های خیریه مراکز دولتی نگهداری افراد نیازمند و معلول تحت نظارت سازمان بهزیستی از این دست است. احمدی در توضیح بیشتر می گوید: به خاطر شرایط شغلی ام، اجراهای زنده موسیقی سنتی من به همین اطراف مشهد معطوف شده است و دنبال بیش از این هم نبوده ام. اگر به دنبال معروف شدن بودم با صداهایی که الان می بینم چهره شده اند. من شرایط خیلی متفاوتی داشتم؛ اما من صدایم را برای چهره شدن نخواستم و اینکه بیش از پانصد اجرا برای نیازمندان، کودکان، معلولان و سالمندان داشته ام، برایم کافی است.

احمدی با ذکر خاطره ای از خوانندگی در حضور بچه های معلول مرکز نگهداری فتح المبین می گوید: این بچه ها با داشتن معلولیت جسمی و ذهنی، خوانندگی و موسیقی زیبا را درک می کنند. در یکی از این اجراها که با همراهی خود بچه ها صورت گرفت، با شور و حال من را تشویق کردند و حتی آن هایی که هیچ حرکتی نداشتند، با یک لبخند احساس شادی و خوشحالی خود را نشان می دادند.

آواز ایرانی را برای دلم می خوانم

اصغر احمدی بعد از گذراندن چند دوره آموزش آواز خوانی سنتی و یادگیری سه تار، فعالیت خود را به عنوان سرپرست و خواننده گروه موسیقی «سرآهنگ» آغاز کرد. جبر زندگی هیچ وقت اجازه نداد او به سمت انتشار آلبوم برود اما تصمیم گرفت صدایش را همیشه و همه جا برای مخاطبان اطرافش جاری کند.

از مهم ترین و بیشترین جاهایی که او به عنوان خواننده حضور داشته، مجالس و جشن هایی بوده که برای کمک به افراد معلول و نیازمند برگزار شده است. اصغر احمدی که نیمی از عمرش دهه ای خود را صرف آواز خوانی سنتی کرده است، می گوید: از همان ابتدا هیچ گاه به خوانندگی به عنوان شغل یا منبع درآمد نگاه نکردم؛ چون همان طور که گفتم، شغل داشتم و با همان حقوق زندگی خانوادگی ام تأمین بود. خوانندگی را بیشتر برای دلم انجام می دادم و البته دوست داشتم که این هنر برای دیگران هم مفید باشد.

شجریان ثانی در نگاه دوستان

اصغر احمدی در میان خوانندگان هم روزگار ما ارادت و علاقه خاصی به مرحوم استاد محمدرضا شجریان دارد. بخشی از این علاقه به دلیل مشهدی بودن و همشهری بودن با استاد است. البته شباهت ظاهری با خسرو آواز ایران در شکل گیری این علاقه بی تأثیر نبوده است. احمدی با بیان خاطره ای در این باره می گوید: چند سال قبل که برای اجرای خوانندگی در یکی از سمینارهای هنری حاضر شده بودم، زمان رفتن روی سن خیلی هامن را با استاد شجریان اشتباه گرفته بودند و تشویق شدم. این اتفاق چند مرتبه دیگر نیز در زمان اجرا اتفاق افتاد و بعضی دوستان به من لقب «شجریان ثانی» را دادند.

اصغر احمدی به دلیل همین علاقه و ارادت به استاد با شنیدن خبر فوت او به شدت دگرگون شد و شعری در وصف حال این استاد بزرگ آواز ایران سرود و در روز تشییع پیکر او در آرامگاه فردوسی، آواز خواند. احمدی می گوید: با همان اندک ذوق و آشنایی که هنگام حضور در محافل ادبی با شعر فارسی پیدا کرده بودم، شعری را در وصف استاد شجریان نوشتم و در روز تشییع پیکر ایشان در آرامگاه فردوسی

برای انبوه حاضران در مراسم اجرا کردم. همه خواننده های آن روز اشعاری را که خود استاد خوانده بود، مثل مرغ سحر را اجرا کردند و این شعر تنها شعری بود که در وصف خود استاد خوانده شد.

الای بلبل مست غزل خوان خراسانی صدای ناب تو مرهم بود بر روح انسانی مولانا، فردوسی، حافظ، نگین شعر این خاک اند در این وادی تو هستی خسرو آواز ایرانی در پایان این گفت و گو، استاد احمدی که جز به آواز سنتی ایرانی نخوانده است، با ابراز تأسف از اقبال نوجوانان و جوانان به خوانندگان و اشعاری کیفیت و موسیقی های غربی که توسط خوانندگان کم سواد خوانده می شود، می گوید: اشعار اصیل ایرانی را نمی توان با موسیقی مبتذل اجرا کرد و خواند؛ چون این زبان فاخر در طول قرن ها با موسیقی فاخر صیقل خورده و کامل شده است. احمدی در حال حاضر به دنبال جمع آوری و تدوین کتابی در حوزه موسیقی و شعر اصیل ایرانی است. او در این کتاب هماهنگی موسیقی با روح ایرانی و زبان فارسی را نشان خواهد داد.



سفر به گذشته محله دانشجو با لایلا زارعی، از نخستین ساکنان خیابان صدف

پیکان علی آقا، تاکسی وفادار محله بود



ایستگاه
اول

فاطمه سیرجانی یکی از قدیمی‌ترین ساکنان خیابان صدف است؛ شاید جزو معدود آدم‌هایی که حال‌یادش می‌آید یک زمانی به فضای اطراف محل سکونتش می‌گفتند «منظریه»! لایلا زارعی اواخر دهه ۵۰ همراه خانواده از سنگ بست فریمان به مشهد آمد. حوالی سال ۵۸ قطعه زمینی را در محدوده‌ای که به آن منظریه می‌گفتند و خیابان فعلی صدف است، خریدند و کم‌کم اینجا ساکن شدند تا لایلا زارعی جزو اولین ساکنان محله دانشجو باشد.

وقتی با او در کوچه‌های صدف و منظریه هم قدم می‌شویم، خاطرات مختلفی را برای ماتعریف می‌کند که یک سرهمه آن‌ها می‌رسد به روزگاری که فضای این محدوده، بیابانی بیش نبود.



مدرسه مصلی نژاد در خیابان آموزگار، اواخر دهه ۵۰ فضای سبز کوچکی بود که چاه آب داشت. روزی دو سه نوبت دبه به دست برای برداشتن آب نوشیدنی به آن پارک محلی می‌رفتیم. معمولاً غروب‌ها زیراندازی هم می‌آوردیم و یک ساعتی در پارک دورهمی داشتیم.

ایستگاه
دوم

این پیکان دهه ۵۰ متعلق به همسر مرحوم علی آقا سلیم است. این ماشین تاکسی تلفنی محله بود. هرکسی از شهر خرید داشت یا می‌خواست به مجلس عروسی و میهمانی برود، به سراغ علی آقا و پیکانش می‌آمد. معمولاً در هفته چند بار همراه پنج شش تا از زنان همسایه با این ماشین برای خرید مایحتاج به میدان شهدا می‌رفتیم.



ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

مهناز خانم از همسایه‌های قدیمی ماست. او چند سال بعد از ما به این کوچه آمد. چون خانه‌هایمان به هم نزدیک بود، خیلی زود مثل دو خواهر صمیمی شدیم. خاطرم هست یک سال که بیمار شده بودم و باید عمل می‌کردم، همین‌که فهمید، خودش را به بیمارستان رساند و تا یکی دو روز از من مراقبت می‌کرد. بعد آن، دوستی و رفاقتمان پررنگ‌تر شد.



ایستگاه
پنجم

بعضی روزها در دهه ۵۰ در پیچه‌های سد گلستان را باز می‌کردند و آب در جوی راسته بولوار وکیل آباد راه می‌افتاد. این روزها همسایه‌ها یکدیگر را خبر می‌کردند و رخت و لباس و ملحفه و پتویه دوش به سمت جوی آب می‌رفتیم. در برگشت، چون پتو و ملحفه‌ها خیس و سنگین می‌شد، آن‌ها را روی سنگی می‌گذاشتیم تا مردها بیایند و وسایل را ببرند.



ایستگاه
ششم

آرزو داشتیم همسایه مسجد باشیم. یک روز صبح همین‌که در حیاط را باز کردم، دیدم یکی دارد وسط زمین یک پرچم یا حسین^(ع) علم می‌کند. سؤال کردم این پرچم چیست. گفت قرار است کلنگ ساخت مسجد چهارده معصوم^(ع) اینجا زده شود. چه سال‌ها که نزدیک ماه مبارک با همسایه‌ها روی پشت بام مسجد بساط فرش شویی داشتیم و مسجد تکانی.

زمین دیوارکشی شده خیابان صدف ۱۱، بخشی از ملک مسجد بود که می‌گفتند متعلق به خیری به نام پارچه باف است. قبل ساخت مسجد، زمین بدون دیواری بود که دهه اول محرم با موکت فرش می‌شد. استکان و سینی و وسیله از خانه می‌آوردیم و با هر چه داشتیم، مراسم عزای پامی کردیم.



عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرا

ابتکار ۳ مسجد منطقه ما، برای پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان

هفته شاد بچه‌های الهیه

تنوع بازی‌ها و بدون هزینه بودن این جشنواره محلی مورد استقبال والدین قرار گرفته است. محمد حسین شهروندی می‌گوید: ما از اهالی مسجد محله مان ممنون هستیم. به نظرم یک طرح خوب و اساسی اجرا شده است که می‌تواند در مناسبت‌های بعدی هم تکرار شود.

● آخرین بازی‌ها قبل از باز شدن مدارس

در این روز و شب‌ها، برنامه‌های مفرحی هم برای دختران تدارک دیده شده است تا دور هم شاد باشند و بازی کنند. سیماکوشکی که در کنار دوستانش از بازی منچ لذت می‌برد، می‌گوید: دیگر چیزی تا شروع مدارس نمانده است و این شب‌ها فرصت خوبی بود برای بازی. به نظرم جذاب‌ترین برنامه‌ها، بازی دارت در مسجد امام سجاد^(ع) و بازی پینگ‌پنگ در مسجد امام علی^(ع) بود. نفیسه حسینی شاد هم دیگر دختری است که این هفته را در کنار هم‌سن‌وسال‌هایش به بازی پانتالی‌زدن و حلقه‌انداختن در میله سپری کرده است. او می‌گوید: این چند روز خیلی به من خوش گذشته است. از همان ساعت ۴ که شروع مراسمات بود، خودم رابه مساجد رساندم و کلی در کنار دوستانم کیف کردیم. او درباره برنامه‌های فرهنگی این جشنواره هم توضیح می‌دهد: برای من بخش نمایش فیلم محمد رسول‌ا...^(ص) خیلی جالب بود و با اینکه قبلاً آن را دیده بودم، این بار داستان فیلم را بهتر متوجه شدم.

دو گروه دختران و یک گروه پسران تشکیل شده است که هر یک از گروه‌ها هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در یکی از این سه مسجد سرگرم بازی و تفریح می‌شوند.

● بچه‌ها خوشحال، والدین راضی

شادترین افراد منطقه ما در این روزها، همین بچه‌ها هستند. بچه‌هایی که بازی می‌کنند، دوست پیدا می‌کنند، رقابت می‌کنند و گاهی پذیرایی می‌شوند و جایزه می‌گیرند. فرهاد جاویدی یکی از این بچه‌هاست که عصرها پدرش او را به جشنواره می‌آورد و شب می‌آید دنبالش. پسر ده‌ساله محله امیریه می‌گوید: من تا حالا فقط به مسجد جوادالائمه^(ع) می‌رفتم اما به واسطه این جشنواره با دو مسجد فعال دیگر منطقه هم آشنا شده‌ام. در همین شب‌ها دوست‌های جدید پیدا کرده‌ام که از بازی با آن‌ها لذت می‌برم.



بهشتی‌ادر گوشه‌ای از حیاط مسجد، میز پینگ‌پنگ قرار داد و در گوشه دیگری بچه‌ها روی میز، بازی منچ راه‌انداخته‌اند. بچه‌های محلات الهیه امروز را در این مسجد بازی می‌کنند و سرگرم هستند و فردا هم مسجد دیگری می‌شوند. ابتکار اهالی سه مسجد فعال محدوده الهیه منطقه ۱۲ سبب شده است کودکان و نوجوانان این محدوده شهری در جشنواره بازی و سرگرمی لحظات خوشی را سپری کنند. این جشنواره با همراهی اهالی مساجد امام سجاد^(ع)، جوادالائمه^(ع) و امیرالمؤمنین^(ع) از شنبه این هفته به مدت هفت روز تدارک دیده شده است و دختران و پسران بایش از چهل بازی و برنامه فرهنگی تفریح می‌کنند.

● همدلی اهالی مسجدی به کام بچه‌ها

اهالی مساجد امام سجاد^(ع)، محله رحمانیه و جوادالائمه^(ع) و امیرالمؤمنین^(ع) محله امیریه در سال‌های گذشته، جشنواره‌های مختلفی را برای کودکان و نوجوانان تدارک می‌دیدند و سعی داشتند در مناسبت‌های مختلف، آن‌ها را شاد کنند. تولد حضرت رسول اکرم^(ص) در سال جاری، فرصتی شد تا شرایط متفاوتی برای بازی و سرگرمی کودکان و نوجوانان ایجاد شود و آنان در فضایی متنوع بازی کنند. به این ترتیب وسایل ورزشی، بازی و برنامه‌های فرهنگی در هر سه مسجد محیا شد تا به تناوب و برای یک هفته در اختیار بچه‌ها قرار گیرد. طبق برنامه ریزی هیئت امنای سه مسجد منطقه ما، با توجه به تعداد ثبت‌نام‌کنندگان،

ورزشکار نوجوان محله شریف، در کلاس درس و میدان مسابقه کم نمی‌آورد

نمره ۲۰ برای کاراته و کتاب



کنترلی، سبک آرام‌تری است؛ اما کاراته سبک کیوکوشین آزاد از سنگین‌ترین سبک‌های ورزشی دنیاست که ضربات سنگینی دارد. کیوکوشین، سبک انتخابی من در رقابت‌های رزمی است.

● از درس و مشقت بگو.

در این سه سال دبیرستان دوره اول، معدلم‌هایم ۲۰ یا نزدیک به ۲۰ بوده است. به جز ورزش در حوزه برنامه‌نویسی و هوش مصنوعی هم فعالیت‌هایی دارم و این کلاس‌ها اصلاً باعث نشده است از درسم عقب بمانم.

● اولویتت موفقیت‌های علمی است یا ورزشی؟

قطعاً درس و حوزه هوش مصنوعی که نیاز امروز است، برایم مهم‌تر است. دوست دارم ورزشکاری باشم که سواد و علم بالایی دارد تا به رشد جامعه کمک کنم.

● شیرین‌ترین خاطرات از حضور در میادین ورزشی کدام بوده است؟

مربوط به همان اولین رقابتیم است. آنجا تازه کاراته را شروع کرده بودم و ترس و اضطراب زیادی داشتم. اما بر دوردور رقابت، انگیزه من را در ادامه دادن این رشته ورزشی خیلی زیاد کرد. به خصوص که در اولین تجربه دست‌پرو با دو مدال طلا به خانه برگشتم.

● قرار است کاراته را تا کجا ادامه دهی؟

تا زمانی که به یک فایتر و کاتاروی عالی تبدیل شوم. آرزو دارم یک روز این موقعیت برایم فراهم شود و در مسابقات جهانی برای کشورم و شهرم و محله‌ام افتخار آفرینی کنم.

● خاطره‌ای از نخستین حضورت روی تشک مسابقه داری؟

اولین مسابقه‌ای که داشتم، حضور در رقابت کشوری در شهر همدان بود. آن زمان کمربند زرد داشتم و در دره نونهالان در دو بخش کاتا و کومیته شرکت کرده بودم. نتیجه دل‌چسب اولین رقابت، کسب دو مدال طلا بود.

● چه سبکی را در رشته رزمی کاراته انتخاب کرده‌ای؟

کاراته، دو بخش کنترلی و آزاد دارد که بخش

فاطمه سیرجانی در کوچه و خیابان‌های محله شریف، در میان هیاهوی زندگی روزمره، دختری زندگی می‌کند که روایت زندگی‌اش، قصه اراده و توازن است. ملیکا ترابی، دانش‌آموز پایه دهم است و در این مدت کوشیده است از پشت نیمکت کلاس تاسکوی قهرمانی را طی کند.

در کارنامه ورزشی دختر کاراته‌کار منطقه ما، مدال‌های طلا و نقره تنها قطعاتی فلزی نیستند. آن‌ها گواهی بر شب‌بیداری‌ها برای درس خواندن و روزهای خستگی‌ناپذیر برای تمرین‌های سخت هستند. او نه تنها توانسته است با هوش و ذکاوتش در درس‌ها بدرخشد و همیشه شاگرد اول کلاسش باشد که موفق شده است با جسارت یک رزمی‌کار قهرمان، افتخار آفرین عرصه ورزش هم باشد.

● از چه زمانی لباس سفید کاراته را می‌پوشی؟

از چهار سالگی ورزش را بارشته ژیمناستیک در هیئت کاراته مشهد شروع کردم و یک مدال طلا هم در سطح کشوری نونهالان کسب کردم. ده‌ساله که بودم، به دلیل تجربه پدرم در ورزش‌های رزمی به این سمت رفتم. ابتدا اکیب بوکسینگ کار می‌کردم و بعد کاراته را حرفه‌ای دنبال کردم.

● تا الان چه افتخاراتی در این رشته ورزشی کسب کرده‌ای؟

سه مدال طلای کشوری نونهالان و نوجوانان و





دبستان عابیس از قدیمی ترین مدارس منطقه ۱۱ است، این مدرسه پسرانه سال ۱۳۶۹ در خیابان معلم ۲۸ ساخته شد و در سال های اخیر درون آن بازسازی شد. البته بنای قدیمی آن هنوز پابرجاست.



شهیدان حسین و محمود قاینی، از دلاوران و ایثارگران دوران دفاع مقدس، اصالتاً اهل روستایی در بیرجند بودند و از مشهد به جبهه اعزام شدند و به ترتیب در بیست و هشت سالگی و بیست و چهار سالگی به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. اکنون نامشان زینت بخش این معبر است.

در حال و هوای گلخانه قدیم

سید مصطفی بهشتی از بولوار معلم با عرض زیاد آغاز می شود و در انتها به بن بستی با عرض کم می رسد. خیابان معلم ۲۸ مسیری فرعی در محله دانش آموز است که با وجود تغییر چهره اساسی، هنوز آرامش را در خود حفظ کرده و در اکثر اوقات روز، آرام است. این خیابان به نام شهیدان حسین و محمود قاینی نام گذاری شده است. معلم ۲۸ که پنج دهه قبل، چندین گلخانه و باغ را در خود جای داده بود. اکنون با درختان زیبا، سرسبزی اش را حفظ کرده است.

معلم ۲۸
(شهیدان قاینی)
محله دانش آموز



در ورودی معلم ۲۸ بازار تخصصی خودرویی قرار دارد و از فروشگاه لوازم یدکی و تعمیرگاه های تخصصی گرفته تا نمایشگاه های خودرو در آن فعال اند. این بازار در یک دهه اخیر راه اندازی شده است.



این زمین پر درخت، تنها بازمانده گلخانه های قدیمی در محدوده بولوار دانش آموز است که البته به تعطیلی کشیده شده اما فضای آن هنوز باقی است. این محدوده زمانی پر بود از گلخانه ها که اکنون جای خود را به ساختمان های چند طبقه داده اند.

بوستان عقیق در انتهای این معبر، سال ۱۳۸۳ با کاشت چند درخت چنار شکل گرفت. این بوستان اکنون علاوه بر هویت محلی خود، محبوب پینگ پنگ بازان است و سه میز تنیس دارد که عصرها حسابی شلوغ می شود.